

۶- در کدام گزینه «تشخیص» (personification) به کار رفته است؟

- ۱) پشت باغ، صخره‌ای پوشیده از گیاه و گل سر به سوی آسمان کرده است.
- ۲) تو آن کشتی‌ای که مغرورانه باد در بادبان افکندای تا سینه‌ی دریا را بشکافی.
- ۳) در باغ زیبا گل سرخ و زنبق کنار هم شکفته‌اند تا بر رخ ژاله بامدادی بوسه زنند.
- ۴) همه‌جا، مانند آن روزگاران که من در آتش عشق می‌گداختم، از عطر گل آکنده شده است.

۷- در کدام گزینه «استعاره» به کار رفته است؟

- ۱) پیش صاحب‌نظران مُلکِ سلیمان باد است
- ۲) از این اندیشه کان سرو سهی داشت
- ۳) که هست این‌جا مهندس مردی استاد
- ۴) خاکی است که رنگین شده از خون ضعیفان

۸- در همی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی آرایه‌ی «تشخیص» موجود است.

- ۱) اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد
- ۲) حُسنِ عروسِ طبعِ مرا جلوه آرزوست
- ۳) دل بیمار شد از دست رفیقان مددی
- ۴) ما بر آریم شبی دست و دعایی بکنیم

۹- در کدام گزینه «استعاره» به کار رفته است؟

- ۱) گهی بار من به صلحی که به جنگی
- ۲) به کام دشمنم کردی نه نیکوست
- ۳) دگر باره جهاندار از سر مهر
- ۴) به ناخن سنگ بر کندن ز کُفسار

۱۰- در کدام گزینه «استعاره» به کار رفته است؟

- ۱) اگر چه جرم او کوه گران است
- ۲) ز عشق، آفاق را پُر دود دیدم
- ۳) چنان مشهور شد در خوب رویی
- ۴) پس آن بهتر که خود را شاد داری

۱۱- در کدام گزینه «استعاره» به کار رفته است؟

- ۱) دلا! تا کی در این زندان فریب این و آن بینی
- ۲) سر آلب ارسلان دیدی ز رفعت رفته بر گردون
- ۳) عطا از خلق چون جویی گر او را مال ده گویی
- ۴) مسلمانان، مسلمانان، مسلمانان، مسلمانان

بلکه آن است سلیمان که ز مُلک آزاد است
دل فرزانه شاپور آگهی داشت
جوانی نام او فرزانه فرهاد
این مُلک که بغداد و ری اش نام نهادند

من و ساقی بر او تازیم و بنیادش براندازیم
آینه‌ای ندارم از آن آه می‌کشم
تا طبیبش به سر آریم و دوایی بکنیم
غم هجران تو را چاره ز جایی بکنیم

خدا توبه دهات زین دو رنگی
که بد کاری است دشمن کامی ای دوست
به گل رخ گفت گای سرو سمن چهر
به از حاجت به نزد ناسزاوار

تو را دریای رحمت بی‌کران است
خرد را دیده، خواب‌آلود دیدم
که مطلق یوسف مصر است گویی
در آن شادی، خدا را یاد داری

یکی زین چاه ظلمانی برون شو تا جهان بینی
به مرو آ تا کنون در گل تن آلب ارسلان بینی
به سوی عیب چون پویی گر او را غیب‌دان بینی
از این آیین بی‌دینان، پشیمانی، پشیمانی

۱۲- در همه‌ی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی آرایه‌ی «استعاره» به کار رفته است.

- | | |
|----------------------------------|----------------------------------|
| ۱) درون دلت شهر بند است راز | نگر تا نبیند در شهر باز |
| ۲) صدف وار گوهر شناسان راز | دهان جز به لؤلؤ نکردند باز |
| ۳) از آن مرد دانا دهان دوخته است | که بیند که شمع از زبان سوخته است |
| ۴) حذر کن ز نادان ده مرده گوی | چو دانا یکی گوی و پرورده گوی |

۱۳- در کدام گزینه «استعاره» از نوع «تشخیص» به کار رفته است؟

- | | |
|--|--------------------------------------|
| ۱) در این بازار گر سودی است با درویش خرسند است | خدایا منعمم گردان به درویشی و خرسندی |
| ۲) فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید | شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد |
| ۳) در آفاق گشاده است ولیکن بسته است | از سر زلف تو در پای دل ما زنجیر |
| ۴) گل بخندید و باغ شد پدram | ای خوشا این جهان بدین هنگام |

۱۴- در کدام گزینه «استعاره» به کار رفته است؟

- | | |
|--|--------------------------------|
| ۱) من آنم که در پای <u>خوکان</u> نریزم <u>حیرانم</u> | مر این قیمتی دُر لفظ دری را |
| ۲) به نظم اندر آری دروغی طمع را | دروغ است سرمایه مر کافری را |
| ۳) به علم و به گوهر <u>کنی</u> مدحت آن را | که مایه است مر جهل و بدگهری را |
| ۴) اگر شاعری را تو پیشه گرفتی | یکی نیز بگرفت خُنیاگری را |

۱۵- در کدام بیت تعداد «استعاره» بیشتر از ابیات دیگر است؟

- | | |
|--------------------------------------|--|
| ۱) پرتو خورشید عشق بر همه افتد و لیک | سنگ به یک نوع نیست، تا همه گوهر شود |
| ۲) یکسر به پای همّت از این دامگه دیو | چون مرغ برپریده و مقر بر قمر کنید |
| ۳) به خنده ای بت بادام چشم شیرین لب | شکر بریزد از آن پسته‌ی دهان که تورا ست |
| ۴) چون بگویی بفشای گُهر از حقّهی لعل | چون بخندی بنمایی ز شکر مروارید |

۱۶- آرایه‌ی «استعاره» در کدام بیت بیشتر است؟

- | | |
|---------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱) هر کجا نقّاش نقش قامت و لعلش کشید | جلوه‌ی طوبی نگر، سرچشمه‌ی کوثر ببین |
| ۲) به خنده از لب خود پُر شکر کنی دامن | مرا چو چشم در اندازد از گریبان در |
| ۳) به چون تو محتشمی بی بها سخن ندهم | بده ز لعل شکر بار قند و بستان در |
| ۴) چون بگویی بفشانی گُهر از حقّهی لعل | چون بخندی بنمایی ز شکر مروارید |

۱۷- در کدام گزینه همه‌ی ترکیب‌ها «اضافه‌ی استعاری» است؟

- | | |
|--|-----|
| ۱) <u>خصلت طمع</u> ، <u>گردن استکبار</u> ، <u>بیابان ضلالت</u> ، <u>قالب قصیده</u> | اول |
| ۲) <u>جام عافیت</u> ، <u>پای تعدی</u> ، <u>قدر نعمت</u> ، <u>تیه گمراهی</u> | اول |
| ۳) <u>حمله‌ی حسد</u> ، <u>پرده‌ی عفاف</u> ، <u>لجاج شهوت</u> ، <u>حوزه‌ی عاطفی</u> | اول |
| ۴) <u>فریاد هستی</u> ، <u>دامن خاک</u> ، <u>روح کلام</u> ، <u>صولت چشم</u> | اول |

① اسم - اسم
② اسم - اسم
③ اسم - اسم
④ اسم - اسم
مال
برای
نوعه

۱۸- در کدام گزینه همه‌ی ترکیب‌ها «اضافه‌ی استعاری» است؟

- (۱) عتاب معلم، مرغان بیشه، صفحه‌ی ضمیر، امید دیدار
 (۲) سرخویش، لطافت طبع، زبان تدریس، فرقت یار
 (۳) افتاب وفا، همه‌ی شاگردان، بانگ طرب، خار غم
 (۴) شتاب مرگ، طره‌ی پرچین عشق، قفای مراقبت، گریبان مکاشفت

۱۹- در مصراع اول بیتی که تلمیح یا تمثیل ندارد، چند «استعاره» به کار رفته است؟

- (۱) آسمان بار امانت نتوانست کشید
 (۲) چه گفت آن سخن‌گوی پاسخ‌نیوش
 (۳) بگسترد کافور بر جای مشک
 (۴) چنین گفت پیغمبر راست‌گوی
- قرعه‌ی کار به نام من دیوانه زدند (دوتا)
 که دیوار دارد به گفتار گوش (یکی)
 گل و ارغوان شد به پالیز خشک (دوتا)
 ز گهواره تا گور دانش بجوی (یکی)

۲۰- در کدام بیت آرایه‌ی «تشخیص» (personification) به کار رفته است؟

- (۱) شبی گیسو فروهشته به دامن
 (۲) شبی چون چاه بیژن تنگ و تاریک
 (۳) فرو بارید بارانی ز گردون
 (۴) همی راندم فرس را من به تقریب
- پلاسین معجر و قیرینه گرز
 چو بیژن در میان چاه او، من
 چنان چون برگ بارد به گلشن
 چو انگشتان مرد ارغنون زن

۲۱- در کدام بیت آرایه‌ی «تشخیص» موجود است؟

- (۱) چرا گویند آن چیز در خُفیه، مرد
 (۲) عشق، دریایی کرانه ناپدید
 (۳) مهمان سراسر است خانه‌ی دنیا که اندرو
 (۴) من خفته بُدم به ناز در کتم عدم
- که گر فاش گردد شود روی زرد
 کی توان کردن شنا ای هوشمند
 یک روز این بیاید و یک روز او رود
 حُسن تو به دست خویش بیدارم کرد

۲۲- در کدام بیت آرایه‌ی «تشخیص» به کار رفته است؟

- (۱) گوشم به راه تا که خبر می‌دهد ز دوست
 (۲) در شما آنچه نیامد کسی حافظ را
 (۳) از در درآمدی و من از خود به در شدم
 (۴) آن همه ناز و تنعم که خزان می‌فرمود
- صاحب خبر بیامد و من بی‌خبر شدم
 شکر کان محنت بی حد و شمار آخر شد
 گویی کز این جهان به جهان دگر شدم
 عاقبت در قدم باد بهار آخر شد

۲۳- در همه‌ی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی آرایه‌ی «تشخیص» به کار رفته است.

- (۱) دید مجنون را یکی صحرانورد
 (۲) سرو سماطی کشید در دو لب جویبار
 (۳) حُسن به ازل نظر چو در کارم کرد
 (۴) از آن مرد دانا دهان دوخته است
- در میان بادیه بنشسته فرد
 چون دو رده چتر سبز، در دو صف کارزار
 بنمود جمال و عاشق زارم کرد
 که بیند که شمع از زبان سوخته است

۲۴- در کدام بیت آرایه‌ی «تشخیص» به کار رفته است؟

- (۱) خورده قسم اختران به پاداشم
 - (۲) یاران گزیده داشتیم روزی
 - (۳) بندی است گران به دست و پایم در
 - (۴) بی زلفت و بی گناه محبوسم
- بسته کمر آسمان به پیکارم
امروز چه شد که نیست کس یارم
شاید که بس ابله و سبک‌بارم
بی علت و بی سبب گرفتارم

۲۵- در کدام بیت آرایه‌ی «استعاره» موجود است؟

- (۱) چو آشامیدم این پیمان را یاک
 - (۲) ستاره‌ای بدرخشید ماه مجلس شد
 - (۳) برو هر چه می‌بایدت پیش گیر
 - (۴) از تو به که نالم که دگر داور نیست
- در افتادم ز مستی بر سر خاک
دل رُمیده‌ی ما را انیس و مونس شد
سر ما نداری، سر خویش گیر
وز دست تو هیچ دست بالاتر نیست

۲۶- در کدام بیت آرایه‌ی «استعاره» به کار رفته است؟

- (۱) نی محنت عشق دیده هرگز
 - (۲) مکن پیش دیوار غیبت بسی
 - (۳) حذر کن ز نادان ده مرده گوی
 - (۴) چرا گویند آن چیز در خُفیه مرد
- نی جور بتان کشیده هرگز
بود کز پیش گوش دارد کسی
چو دانا یکی گوی و پرورده گوی
که گر فاش گردد شود روی زرد

۲۷- در کدام بیت واژه‌ی مشخص شده در معنی استعاری به کار نرفته است؟

- (۱) ماهم این هفته برون رفت و به چشم سالی است
 - (۲) که دریا را شکافیدن بود چالاکی موسی
 - (۳) زان شب که ماه نویس نمودی به عاشقان
 - (۴) امروز چرخ را ز مه ما تحیر است
- حال هجران تو چه دانی که چه مشکل حالی است
قبای مه شکافیدن ز نور مصطفی باشد
چون چرخ بی‌قرار، کسی را قرار نیست
خورشید را ز غیرت رویش تغییر است

۲۸- در کدام بیت واژه‌ی مشخص شده در معنی استعاری به کار نرفته است؟

- (۱) در دهن لاله باد، ریخته و بیخته
 - (۲) گویی بَط سفید، جامه به صابون زده است
 - (۳) بر گل تر عندلیب، گنج فریدون زده است
 - (۴) سوسن کافور بوی، گلبن گوهر فروش
- بیخته مشک سیاه، ریخته دُر تمین
کبک دری ساق پای، در قدح خون زده است
لشکر چین در بهار، خیمه به هامون زده است
زمی ز اردیبهشت گشته بهشت برین

۲۹- در کدام گزینه، همه‌ی ترکیب‌ها «اضافه‌ی استعاری» است؟

- (۱) استراق سمع، شمع محفل، طلوع حیات، کام دل
- (۲) دیده‌ی آفتاب، خورشید نظر، نور محمد، چشم عفو
- (۳) دندان مرگ، حمله‌ی غیرت، سایه‌ی لطف، پای اوهام
- (۴) گلیم سیه‌بختی، سفینه‌ی نجات، حیوان نفس، گنج شوق